

فصل نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال سیزدهم، شماره پنجاه و دوم، زمستان ۱۴۰۲
مقاله پژوهشی، صفحات ۷۵-۹۲

حقیقت در دام سیاست:

نقش شَرَحِبیل بن سَمَط در شورش مردم شام علیه امام علی (ع)

سید محمدرحیم ربانی زاده^۱

چکیده

پس از خلافت امام علی (ع)، معاویه با توسل به ابزارهای سیاسی و بهره‌گیری از اختلافات موجود، تلاش کرد تا مردم شام را به اتهام قتل عثمان علیه امام علی (ع) بشوراند. شرحبیل بن سَمَط کندی، حاکم حمص در شوراندن مردم نقش مؤثری ایفا کرد. مسئله اصلی پژوهش عوامل مؤثر بر جذب شرحبیل به صف مخالفان امام علی (ع) و نقش او در غائله شام است؟ این پژوهش با بهره‌گیری از منابع دست اول تاریخی و با روش توصیفی-تحلیلی نشان می‌دهد که معاویه با بهره‌گیری از اختلافات شخصی میان شرحبیل و جریر بن عبدالله بجلی، سفیر امام علی (ع) در شام و همچنین با شهادت دروغ مبنی بر دست داشتن امام علی (ع) در قتل عثمان، شرحبیل را متقاعد کرد تا به صف مخالفان امام بپیوندد. شرحبیل با القای این باور که امام علی (ع) عامل اصلی قتل عثمان است، نقش تعیین‌کننده‌ای در شورش مردم شام علیه امام ایفا کرد. یافته‌های مقاله همچنین نشان می‌دهد که ابزارهای سیاسی و تبلیغاتی در شکل‌دهی رویدادهای تاریخی تأثیرگذار هستند.

کلیدواژه‌ها: امام علی (ع)، خونخواهی عثمان، شَرَحِبیل بن سَمَط، عمرو بن عاص، معاویه.

۱. استادیار پژوهشگاه تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. rabbanizade@ihcs.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۰۲/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۰۲/۰۹/۱۱

Truth in the Trap of Politics: The Role of Shuraḥbīl ibn Simṭ in the Revolt of the People of Sham (Syria) Against Imam Ali (AS)

Seyyed Mohammad Rahim Rabbani Zadeh¹

Abstract

After the caliphate of Imam Ali (AS), Mu'āwiya, by utilizing political tools and exploiting existing disagreements, sought to incite the people of Sham (Syria) against Imam Ali (AS) under the pretext of the murder of 'Uthmān. Shuraḥbīl ibn Simṭ al-Kindi, the governor of Ḥims, played a significant role in instigating the people. The main research question is: What are the factors that influenced Shuraḥbīl to join the ranks of Imam Ali's (AS) opponents, and what was his role in the events in Sham (Syria)? This research, using primary historical sources and a descriptive-analytical method, shows that Mu'āwiya convinced Shuraḥbīl to join the opposition against Imam Ali (AS) by exploiting personal conflicts between Shuraḥbīl and Jarir ibn Abdullah Bajali, the ambassador of Imam Ali (AS) in Sham, as well as through false testimony implicating Imam Ali (AS) in 'Uthmān's murder. Shuraḥbīl played a decisive role in the revolt of the people of Sham (Syria) against Imam Ali (AS) by promoting the belief that Imam Ali (AS) was the main culprit behind 'Uthmān's murder. The findings of the article also indicate that political and propaganda tools significantly influence the shaping of historical events.

Keywords: Imam Ali (AS), 'Uthmān's blood vengeance, Shuraḥbīl ibn Simṭ, 'Amr ibn al-Āṣ, Mu'āwiya.

1. Assistant Professor, Research Institute of History, Human Sciences and Cultural Studies Research Center, Tehran, Iran. rabbanizade@ihcs.ac.ir

درآمد

پس از قتل خلیفه سوم، معاویه حاکم شام از بیعت با امام علی علیه السلام امتناع ورزید و تصمیم گرفت با استفاده از تمام امکانات و نفوذ افراد مؤثر، در برابر امام بایستد و وارد جنگ شود. یکی از این افراد، عمرو بن عاص بود که از باهوش‌ترین افراد عرب شناخته می‌شد (مسعودی، ۷۵۳/۱). معاویه او را از فلسطین به شام فراخواند تا از مشاوره او بهره‌مند شود. عمرو بن عاص در ازای همکاری با معاویه، درخواست حکومت مصر را داشت و معاویه این شرط را پذیرفت (دینوری، ۱۹۵؛ ثقفی کوفی، ۱۳۸). عمرو بن عاص به معاویه پیشنهاد داد تا شرحبیل بن سمط کندی، والی حمص را به سبب اختلاف و دشمنی با جریر فرستاده امام علی علیه السلام به شام دعوت کند. طرح عمومی عمرو بن عاص آن بود که با ایجاد فضایی تبلیغاتی و متهم کردن امام به قتل عثمان، افکار عمومی مردم شام را به نفع معاویه تغییر دهد. شرحبیل طی یک فرایندی ضمن موافقت با پیشنهاد معاویه وارد عمل شد، و با سفر به شهرهای مختلف با استفاده از توان و نفوذ کلام خود، توانست گروه‌هایی از مردم شام را علیه امام علی علیه السلام بشوراند. نوشتار حاضر به دنبال نشان دادن چگونگی کاریست شیوه‌های رسانه‌ای و ابزارهای تبلیغاتی در انحراف افکار عمومی و بسیج توده‌ها در جهت پیشبرد اهداف سیاسی است؛ از این رو حقیقت می‌تواند با بازنمایی‌های دروغین به شکل امر ناهنجار جلوه نماید و توده‌های مردم را علیه آن بسیج کند.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش مستقل و جامعی در خصوص علل نقش شرحبیل بن سمط کندی در بسیج مردم شام صورت نگرفته است. در میان پژوهش‌های انجام شده، می‌توان به مقاله *دانشنامه جهان اسلام* نوشته دهقانی (۱۳۹۸ش) اشاره کرد. این مقاله به طور مختصر به شرح حال شرحبیل و برخی از اقدامات او در خصوص نحوه حضورش در برخی جنگ‌های صدر اسلام و همراهی با معاویه در جنگ صفین اشاره کرده است. آنچه جایز در پژوهش مذکور خالی مانده، بررسی جامعی در خصوص، چگونگی و علل دعوت از شرحبیل و فریب و اغوای ایشان، با متهم کردن امام علی علیه السلام به قتل عثمان و

عدم اشاره به سیر تاریخی دشمنی جریر بن عبدالله بجلی با شرحبیل است و اینکه چرا و چگونه عمرو بن عاص پیشنهاد دعوت از شرحبیل را به معاویه داد؟ مستمسک عمرو بن عاص به غیر از دشمنی و کدورت میان شرحبیل و جریر و اتهام قتل عثمان به امام علی علیه السلام چه بود؟ دشمنی شرحبیل با جریر تا چه اندازه در ماجرای بسیج شام توسط شرحبیل موثر بود؟ از سوی دیگر تناقضات رفتاری و عملکرد دوگانه شرحبیل در خصوص پذیرش و یا عدم پذیرش گواهی افراد گوناگون در خصوص واقعه قتل عثمان چگونه است؟ اینکه جریر در راستای مأموریت خود در مواجهه با شرحبیل در خصوص رفع کدورت‌های گذشته و انکار نقش امام علی علیه السلام در قتل عثمان و تأثیرگذاری مقطعی بر شرحبیل تا چه اندازه موفق بوده؟ اینها مواردی است که در پژوهش حاضر به آن پرداخته می‌شود.

زندگی و زمانه شرحبیل

شرحبیل بن سمط کندی از بزرگان قبیله یمنی کنده بود. وی پس از ظهور اسلام به پیامبر ایمان آورد و همواره در اطاعت ایشان بود (ابن اعثم کوفی، ۴۷۳؛ ابن عساکر، ۱۳۴/۵۹). شرحبیل به دلیل تقوا، شجاعت و حسن اخلاق، از شهرت و احترام برخوردار بود. در مورد اینکه شرحبیل پیامبر را درک کرده یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد (ثقفی کوفی، ۱۳۹). برخی از متقدمین مانند بخاری (تاریخ الکبیر، ۲۴۸/۴)، او را از صحابه دانسته‌اند؛ در حالی که برخی دیگر او را در زمره تابعین قرار داده‌اند (ابن حبان، ۱۸۷/۳؛ ابن حجر عسقلانی، ۲۱۷/۳). ابن اثیر (اسد الغابه، ۳۶۲/۲) نیز بر این باور است که شرحبیل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را درک کرده است. ثقفی کوفی (۱۳۹) دلیل اصلی اختلاف نظر در این مورد را تلاش برخی برای تقویت جایگاه سیاسی معاویه دانسته‌اند؛ زیرا شرحبیل را در شمار صحابه شمردن، به اعتبار معاویه می‌افزود. به نظر می‌رسد جدای از دعاوی‌های مختلف، شرحبیل به واسطه نفوذ و مقبولیتی که در دوره خود در میان اعراب مسلمان شام داشته، احتمالاً زمانه پیامبر را درک کرده بود و گرنه تقلای معاویه برای به یاری طلبیدن او که مبتنی بر اعتبار جایگاه وی است، بی‌ثمر می‌بود. ذهبی (۶۲۱/۳) نیز معتقد است شرحبیل از پیامبر اکرم، خلیفه دوم و سلمان

فارسی حدیث روایت کرده است. زمانی که بخشی از اهل یمن مرتد شدند و هم قبیله‌های او و به تبع آن یمنی‌ها از دین اسلام برگشتند (ابن حجر عسقلانی، ۲۱۶/۳)، وی هم‌چنان بر دین اسلام باقی ماند (طبری، ۱۴۷۰/۴) و در عنوان جوانی در جنگ با مرتدان شرکت کرد (همان، ۱۶۴۱/۴). به‌همین سبب او از شجاعان عرب به‌شمار می‌رفت. او در جنگ‌های اعراب با ایران از جمله قادسیه حضور داشت و گذشته از شجاعت، فردی کاردان و اهل سیاست نیز بود؛ از این‌رو به‌عنوان سفیر از سوی سعد بن ابی وقاص به دربار یزدگرد فرستاده شد (مقدسی، ۸۵۰/۲). در جنگ قادسیه سعد بن ابی وقاص، شرحبیل بن سمط کندی را بر میسر لشکر گماشت (طبری، ۱۶۴۰/۴). او خیلی زود جایگاه والایی کسب کرد و از نظر اعتبار و نفوذ، حتی از اشعث کندی که از بزرگان قبیله کنده بود، پیشی گرفت (همان، ۱۶۴۱/۴). در مورد اینکه شرحبیل توسط چه کسی به حکومت مدائن منصوب شد، اختلاف نظر وجود دارد. برخی منابع تاریخی، از جمله طبری (۱۷۵۶/۵) حکایت از آن دارند که شرحبیل به فرمان سعد بن ابی وقاص به حکومت مدائن منصوب شد اما بیهقی (۲۱۳/۹) حکومت او بر مدائن را به خلیفه دوم نسبت می‌دهد. به دنبال گزارش‌هایی که از سوی جریر بن عبدالله بجلی، رابط سپاه مستقر در قادسیه، به خلیفه دوم رسید، شرحبیل بن سمط کندی از عراق فراخوانده شد (ابن اثیر، کامل، ۴۱/۱۰). اگر گزارش ابن اثیر را در این خصوص بپذیریم او احتمالاً مدت کوتاهی در مدائن مسئولیت داشته است و در ادامه با توجه به درخواست پدر شرحبیل از خلیفه دوم برای جدا نشدن فرزندش از او، شرحبیل پس از مدتی کوتاه، به دستور خلیفه دوم به شام منتقل (بیهقی، ۲۱۳/۹؛ ابن اثیر، کامل، ۴۱/۱۰) و پس از آن به‌عنوان والی حمص انتخاب شد (ابن حجر عسقلانی، ۲۱۷/۳).

در مورد چگونگی فتح حمص، اختلاف نظر وجود دارد. برخی مورخان، از جمله بلاذری (فتوح البلدان، ۱۸۹)، نقل کرده‌اند که سمط بن اسود کندی با اهل حمص صلح کرده بود و پس از آن، ابوعبیده بن جراح این صلح را تأیید کرد. طبری (۱۷۵۵/۵) فتح حمص را به حنظله بن طفیل سلمی نسبت داده است. با این حال، برخی دیگر از مورخان فاتح شهر حمص را شرحبیل بن سمط کندی می‌دانند (ابن حجر عسقلانی،

۲۱۷/۳؛ ثقفی کوفی، ۱۳۹).

شرحبیل از افراد مورد علاقه معاویه بوده و به فرمان او به حکومت حمص منصوب و به مدت بیست سال حکمرانی کرد (ذهبی، ۶۲۱/۳؛ ابن اثیر، *اسد الغابه*، ۳۶۲/۲). در خصوص تقسیم زمین‌های حمص، بلاذری (*فتوح البلدان*، ۱۸۹) آورده است که سمط، حمص را به بخش‌هایی میان مسلمانان تقسیم کرد تا در آنها منزل گزینند. از سوی دیگر، ابن سعد (۴۵۴/۷) تقسیم زمین‌های حمص را به شرحبیل بن سمط کندی برای بار دوم و شاید آخرین بار در دوران خلافت عثمان نسبت می‌دهد. بخاری (*التاریخ الکبیر*، ۲۴۸/۴) هم به تقسیم زمین توسط شرحبیل بدون زمان مشخصی اشاره کرده است. با توجه به اینکه مدت حکمرانی او بر حمص بیست سال بوده، می‌توان نتیجه گرفت که وی احتمالاً از حدود سال ۲۰ هجری به شام رفته و به حکومت حمص منصوب شده است. شرحبیل دو سال پس از جنگ صفین در سال ۴۰ هجری درگذشت (زرکلی، ۱۵۹/۳) و حبیب بن مسلمه بر وی نماز خواند (بخاری، *تاریخ اوسط*، ۱۲۹/۱).

چگونگی ورود شرحبیل به منازعات سیاسی در شام

پس از قتل عثمان، معاویه نسبت به خلافت امام علی علیه السلام به بهانه‌های مختلف موضع‌گیری و مقابله کرد و حاضر به اطاعت از ایشان نشد. از این‌رو، نامه‌هایی میان امام و معاویه رد و بدل شد. یکی از این نامه‌ها را جریر بن عبدالله بجلی به‌عنوان نماینده امام علی علیه السلام برای معاویه آورد. این نامه عرصه را بر معاویه تنگ کرد. معاویه درباره جواب نامه امام و چگونگی بازگرداندن جریر و نحوه اخذ بیعت مردم شام با عمرو بن عاص مشورت کرد. او به معاویه توصیه کرد با توجه به اینکه خبر بیعت مردم عراق با علی از سوی بهترین سفیر برای تو رسیده است (دینوری، ۱۹۷) و همچنین این سفیر از سوی بهترین مرد جهان برای بیعت آمده است (ابن مزاحم منقری، ۷۰)؛ بنابراین دعوت مردم شام به خلافت، امری بسیار خطرناک و مخاطره‌آمیز است (دینوری، ۱۹۷؛ ابن مزاحم منقری، ۷۰). عمرو بن عاص در ادامه، عدم بیعت با علی علیه السلام را امری نادرست به‌شمار آورد و از آنجایی که سیاس و با تجربه بود برای توجیه عدم بیعت راهکار جدیدی ارائه کرد (ابن اعثم کوفی، ۴۷۰). وی به معاویه توصیه کرد تا با

تدارک برنامه‌ای، بزرگان و مردم شام را آماده و دل‌های آنان را با خود همراه کند (دینوری، ۱۹۷). سپس خون عثمان را به گردن علی بیندازد (مسعودی، ۷۳۰/۱). تا بزرگان و مردم شام یقین پیدا کنند که علی (ع) در کشتن عثمان دست داشته است (دینوری، ۱۹۷). پس از جلب اعتمادشان با مدد آنان با علی (ع) وارد جنگ شود (مسعودی، ۷۳۰/۱).

از آنجا که فریب و همراهی مردم در ماجرای قتل عثمان به آسانی امکان‌پذیر نبود باید به شکل کاملاً حساب شده‌ای برنامه‌ریزی شود تا بتوانند باطل را لباس حقیقت بپوشانند. آنان به اشخاصی نیاز داشتند که علاوه بر نفوذ کلام و حسن سیرت، توانایی تأثیرگذاری بر عوام و بزرگان را داشته باشند. بر همین پایه عمرعاص پیشنهاد داد تا شرحبیل بن سمط کندی که «سرور و بزرگ سادات شام» بود (دینوری، ۱۹۵) به سبب اختلاف و دشمنی با جریر فرستاده علی بن ابی طالب (ع) (ابن مزاحم منقری، ۷۰)، اهل شام را برای معاویه متحد و یکدل کند (ابن عساکر، ۱۳۳/۵۹). اگرچه ابن عساکر پیشنهاد دعوت از شرحبیل را به عتبه نسبت داده است (همان)؛ ولی با توجه به بررسی منابع قدیم‌تر علت انتخاب شرحبیل را به سبب دشمنی و اختلاف ایشان با جریر به عمرو بن عاص نسبت داده‌اند (ابن مزاحم منقری، ۷۰؛ ابن عساکر، ۱۳۳/۵۹؛ ابن حجر عسقلانی، ۲۶۷/۳؛ ابن اثیر، کامل، ۴۲/۱۰؛ ابن خلدون، ۶۱۹). بیشتر منابع روی این موضوع دشمنی شرحبیل با جریر اشتراک نظر دارند. در واقع همین سابقه دشمنی علت انتخاب شرحبیل توسط عمرو بن عاص بوده است.

عمرو بن عاص در راستای همان برنامه طراحی شده توصیه کرد تا قتل عثمان به مسئله‌ای تبدیل شود که نقش امام علی (ع) در آن پررنگ باشد و «این کلمه [قتل عثمان] چنان شعاری است که تمام مردم شام را بر همان اساسی که دوست داری گردت جمع می‌کند، زیرا اگر سخنی را به دل شرحبیل نشانید... به هیچ رو از دلش بیرون نرود» (ابن مزاحم منقری، ۷۰). بدین‌سان قتل عثمان تبدیل به مسئله و بحران اساسی علیه امام علی (ع) در شام شد و با متهم کردن حضرت به قتل عثمان و استفاده از تبلیغات منفی، عمرو بن عاص کوشید تا جنگ با امام را توجیه و مشروع جلوه دهد. از این‌رو، معاویه طی نامه‌ای شرحبیل را به شام دعوت

کرد (زکی صفوت، ۳۶۴/۱) و با ایجاد فضایی تبلیغاتی، او را برای همکاری در این زمینه آماده کرد. برای تأثیر بر شرحبیل مردان موجه و سرشناسی (ابن اعثم کوفی، ۴۷۰) باید او را متقاعد سازند «که علی بن ابی طالب عثمان را کشته است» (دینوری، ۱۹۸)؛ از این رو معاویه گروهی از بزرگان و سران قبایل و معارف شام، مانند یزید بن انس، بسر بن أرطاه، حمزه بن مالک، حابس بن سعد الطائی، أبو الأعور السّلمی، عمرو بن سفیان و مخارق بن الحرث الزّییدی، را که با علی علیه السلام عداوت داشتند فراخواند (دینوری، ۱۹۸؛ ابن مزاحم منقری، ۷۰؛ ابن عساکر، ۱۳۳/۵۹؛ زکی صفوت، ۳۶۴/۱). این اشخاص ضمن تأثیرگذاری بر شرحبیل در ردیف خاصان و افراد مورد وثوق معاویه به‌شمار می‌رفتند. پس از حضور آنان در کاخ، معاویه، برای آماده‌سازی ذهن آنان، اوضاع شام را وخیم جلوه داد و طوری القاء کرد که در صورت عدم همکاری علی شام را تصرف خواهد کرد و به شکلی وانمود کرد که گویی برای رهایی از این مشکلات شرحبیل را دعوت کرده است. و از بزرگان حاضر در مجلس خواست تا در پیش او به دروغ شهادت دهند که علی علیه السلام عثمان را کشته است تا شرحبیل را در دفع علی علیه السلام با خود همراه کنند (ابن اعثم کوفی، ۴۷۰). معاویه پس از اطمینان از همکاری بزرگان قبایل، توسط یزید بن اسد فهری نامه‌ای به این مضمون برای شرحبیل فرستاد: «علی بن ابی طالب جریر بن عبد الله البجلی را به رسالت نزد من فرستاده (همان، ۴۷۱) و فرمانی ناگوار برای ما آورده است» (ابن مزاحم منقری، ۷۰). در ادامه گفت: «مرا به بیعت با خویشان خوانده است. من جریر را نگاه داشته‌ام... تا از رأی تو اجازت نجویم، جریر را برنمی‌گردانم... در آمدن تعجیل نمای...» (ابن اعثم کوفی، ۴۷۱).

شرحبیل پس از ملاحظه مفاد نامه با بزرگان قبیله کنده مشورت کرد. آنها وی را از همکاری با معاویه بر حذر داشتند (ابن مزاحم منقری، ۷۰؛ ابن عساکر، ۱۳۴/۵۹). شرحبیل به مخالفت آنان اعتنایی نکرد ولی به سبب اینکه دچار شک و تردید شده بود با عبدالرحمان بن غنم ازدی در خصوص همکاری با معاویه مشورت کرد (ابن مزاحم منقری، ۷۰). ابن غنم، شرحبیل را مورد لطف و محبت قرار داد و همراهی او را با پیامبر ستود. به نظر می‌رسد شرحبیل برای همراهی با معاویه برخی از دلایلش را به ابن غنم گفته است گرچه منابع به آن اشاره نکرده‌اند ولی ابن غنم گویا در جواب مشورت و یا سؤالات وی به برخی از

شبهات او پاسخ داده است. ابن غنم برای اثبات مدعای خود و دروغ پنداشتن نقش علی علیه السلام در قتل عثمان به بیعت کبار صحابه و بزرگان مهاجر و انصار با امام اشاره کرد (ابن عساکر، ۱۳۴/۵۹). او ضمن اشاره به جایگاه خانوادگی شرحبیل وی را زنهار داد که فریب فضای مسموم جامعه مبنی بر قتل عثمان توسط علی علیه السلام نشود (ابن اعثم کوفی، ۴۷۳). در ادامه با آگاهی از اختلاف و دشمنی قبلی شرحبیل با جریر به یک نکته کلیدی و راهگشا اشاره کرد: اگر به کامیابی جریر در این مأموریت راضی نیستید، به کوفه روید و از سوی شام و قوم خود با علی بیعت نمایید (ابن مزاحم منقری، ۷۰). نصایح ابن غنم بر شرحبیل بی تأثیر بود. اشخاص دیگری مانند عیاض ثمالی شاعر، با شیوه‌های مختلف تلاش کردند شرحبیل را از تصمیمش منصرف سازند. عیاض با سرودن قصیده‌ای، شرحبیل را برای همراهی با معاویه مورد سرزنش قرار داد و او را از افتادن در تله دام مکر معاویه و عمرو بن عاص بر حذر داشت. عیاض ثمالی، شرحبیل را دعوت به بیعت با علی علیه السلام کرد و با لحنی بسیار تند عدم بیعت با امام را مصادف با بازگشت به دوره کفر و نفاق دانست. توصیه عیاض هم بر او تأثیری نداشت و شرحبیل عزمش را برای رفتن پیش معاویه جزم کرد (همان، ۷۳، ۴۵؛ ابن عساکر، ۱۳۴/۵۹). در خصوص علت پذیرش دعوت معاویه از سوی شرحبیل چند احتمال وجود دارد: الف) آن را وظیفه دینی خود می‌شمرد؛ ب) به دشمنی و رقابت پیشین او با جریر بن عبدالله بجلی بازمی‌گشت که ابن غنم و دیگران هم به آن اشاره کرده‌اند و ج) فارغ از مصداق‌های تاریخی موضوع، می‌تواند امری نفسانی مانند بها دادن و دیده شدن و مورد توجه قرار گرفته شدن باشد و این دیده شدن توسط معاویه در ملاقات با شرحبیل کاملاً ملموس است.

دامی برای شرحبیل

معاویه و عمرو بن عاص به‌منظور فریب و اغوای شرحبیل برنامه‌ای تدارک دیدند. هنگامی که وی نزدیک شهر رسید، مورد استقبال گرم بزرگان و رؤسای قبایل قرار گرفت (دینوری، ۱۹۸). پس از ورد به کاخ، معاویه او را در کنار خود نشاند و با تعریف و تمجید فراوان از وی موضوع دعوت از او را با ظرافت و زیرکی مطرح کرد (ابن اعثم

کوفی، ۴۷۲) و چنین گفت: «جریراز سوی علی بن ابی طالب فرمانی ناگوار برای ما آورده است...» (ابن مزاحم منقری، ۷۰). برای تکمیل طرح و دوری از هر گونه ذهنیت‌سازی سخن را به گونه‌ای آغاز کرد تا شرحیل موضوع را شخصی نپندارد و با او مخالفتی نکند؛ بنابراین با زیرکی و چرب زبانی شروع به ستایش از علی بن ابی طالب علیه السلام کرد: «در این که علی مردی... بزرگوار... و دیندار است شکی ندارم» (ابن اعثم کوفی، ۴۷۲). برای تکمیل پروژه روانی و آماده کردن ذهن وی به نکته‌ای کارساز برای تأثیرگذاری و پیشبرد اهدافش اشاره کرد: ولی «عثمان را که خلیفه وقت و شیخ اسلام بود کشته است»؛ به همین سبب جریر را نگه داشته، و جواب نامه علی را منوط به نظر شما دانسته‌ام (ابن عساکر، ۱۳۴/۵۹). شرحیل پاسخ معاویه را مشروط به تحقیق از بزرگان، در خصوص واقعه قتل عثمان کرد: «اگر دو نفر از معتمدان و مهتران شام در پیش من گواهی دهند که علی بن ابی طالب عثمان را کشته است، تو را در این سخن باور دارم...» (ابن اعثم کوفی، ۴۷۳). معاویه بر اساس طرح قبلی اشخاص مورد اعتمادش را برای فریب شرحیل بر سر راهش قرار داد. او به هر یک از بزرگان شام که می‌رسید (دینوری، ۱۹۸) «متفق اللفظ و متحد المعنی شهادت می‌دادند» (ابن اعثم کوفی، ۴۷۳) که علی بن ابی طالب علیه السلام، عثمان را کشته است. این سخن را آشکارا در مقابل چشمان شرحیل چنان تکرار کردند (دینوری، ۱۹۸) که او در شام صدایی جز مخالفت با علی علیه السلام و خونخواهی عثمان نشنید. شهادت دروغ تأثیر خود را بر شرحیل گذاشت و او «... با کینه و عداوت و خشم فراوان پیش معاویه آمد» (همان، ۱۹۸) و اظهار داشت که جماعتی از بزرگان نزد وی گواهی داده‌اند که علی عثمان را کشته است و نظر معاویه مبنی بر قتل عثمان توسط امام را تأیید کرد (ابن اعثم کوفی، ۴۷۳). در ادامه به معاویه گوشزد کرد چون «تو کارگزار و والی عثمان و عموزاده اوایی برترین مردم برای خونخواهی او هستی» (بلاذری، *انساب الاشراف*، ۲/۲۸۲) و قسم خدا بر زبان جاری ساخت در صورت اهمال‌کاری در انجام خونخواهی عثمان (ابن حجر عسقلانی، ۷۴/۶) و بیعت با علی بن ابی طالب علیه السلام (دینوری، ۱۹۸؛ ابن عساکر، ۱۳۴/۵۹) او را عزل و شخص دیگری را جایگزین می‌کند (ابن مزاحم منقری، ۷۰).

شرحبیل در پایان معاویه را به خروج از شام (دینوری، ۱۹۸) و به قتل تهدید کرد (ابن مزاحم منقری، ۷۰). معاویه در حالی که به تمامی اهدافش در خصوص فریب شرحبیل رسیده بود، با زیرکی تمام به شرحبیل گفت به هر حال من یک نفر از شما هستم (دینوری، ۱۹۸) به هر امری راضی شدید رضایت دارم و از دستور شما مخالفت و سرپیچی نمی‌کنم (ابن عساکر، ۱۳۴/۵۹).

اقدامات تأثیرگذار معاویه در بدو ورود شرحبیل به شام و مشورت ایشان با بزرگان و معتمدان به گونه‌ای اجرا شد که شرحبیل به صراحت از معاویه درخواست کرد تا «نظر جریر را مبنی بر بیعت نپذیرد» (ابن حجر عسقلانی، ۷۴/۶). شرحبیل در ادامه گفت به شدت با علی دشمنی ورزید و به چیزی جز جنگ قانع نشوید (ابن اثیر، اسد الغابه، ۳۶۲/۲) و به این هم بسنده نکرد و قسم خدا بر زبان جاری کرد که بین ما و علی چیزی جز شمشیر قضاوت نخواهد کرد (ابن اعثم کوفی، ۵۲۰/۲). شرحبیل به معاویه پیشنهاد داد: اگر مرد رزم با علی و قاتلان عثمان باشی...، تو را به فرماندهی منصوب (ابن مزاحم منقری، ۸۰) و تا آخرین نفر با علی می‌جنگیم (ابن اعثم کوفی، ۴۷۰). نکته‌ای که اینجا قابل تأمل و بررسی است استناد شرحبیل به شهادت بزرگان شام مبنی بر قتل عثمان توسط علی (ع) است. وقتی کمی عقب‌تر برگردیم تعدادی از بزرگان شهر حمص هم بر عکس این موضوع با شرحبیل گفتگو کردند و به شدت نقش امام را در ماجرای قتل عثمان انکار کرده بودند. چگونه شرحبیل شهادت ابن غنم و عیاض ثمالی را که عاری از حب و بغض بودند، نپذیرفت ولی بر گواهی دروغ شامیان صحه گذاشت؟ بدین‌سان شرحبیل در دایره هدف‌گذاری‌های معاویه برای گردآوری مردم شام جهت جنگ با امام علی (ع) به اتهام قتل عثمان قرار گرفت.

معاویه با فریب و اغوای یکی از ذی‌نفوذان شام با به کارگیری یک سرخط خبری جعلی مبنی بر قتل عثمان توسط امام علی (ع) و تکرار آن توسط عوامل تبلیغاتی خود توانست بزرگان و ذی‌نفوذان جامعه را با خود همراه کند. همین‌الگو حالا توسط حلقه‌های بعدی که همین بزرگان بودند برای زیردستان حلقه‌های بعد تکرار و به‌کار گرفته شد. بسیج توده‌ها با شعاری دینی مبنی بر قصاص خون خلیفه سوم که معاویه از

او فرمان حکومت شام داشت. بنابراین معاویه با بی‌اعتبار کردن خلیفه جدید و اتهام به قتل خلیفه پیشین درصدد برآمد تا حکومت خود را همچنان مشروع جلوه دهد و مخالفتش با امام را که مبنی بر جاه‌طلبی شخصی بود، پشت اهداف دینی مانند خونخواهی از قتل خلیفه سوم بپوشاند. اکنون معاویه پرچمی افراشته بود که می‌توانست در زیر آن پیروانی را با انگیزه‌های مختلف مانند ادای وظیفه دینی و قصاص خون خلیفه سوم و یا به طمع ثروت و جاه و مقام جمع کند.

نقش شرحبیل در شورش اهالی شام علیه امام علی علیه السلام

معاویه پس از کسب نظر مساعد شرحبیل، با اشاره به ضرورت همراهی مردم در این نبرد، پیشنهاد نگارش نامه به شهرهای مختلف شام را مطرح کرد (دینوری، ۱۹۸). شرحبیل نگارش نامه را بی‌فایده و حضور مستقیمش را در بین مردم مؤثرتر دانست (ابن اعثم کوفی، ۴۸۶). معاویه به سبب تجربه و شتم سیاسی، ضمن تأیید نظر شرحبیل، وی را ترغیب و تشویق کرد تا به شهرهای شام سفر (دینوری، ۱۹۸) و مردم را توجیه کند که «به راستی عثمان را علی کشته است و بر مسلمانان واجب است که از او خونخواهی کنند» (ابن مزاحم منقری، ۷۸) و از او خواست ضمن آگاه‌سازی مردم، از آنان برای همراهی با معاویه بیعت گیرد (دینوری، ۱۹۸). شرحبیل در راستای مأموریت محوله از سوی معاویه با حضور در مسجد جامع شهر حمص گفت: «ای مردم علی عثمان را کشته است و شمشیر بر دوش نهاده و گرداب‌های مرگ را می‌پیماید و می‌خواهد به شام بیاید». او برای کسب رضایت معاویه و یا به سبب دشمنی با جریر و یا انجام وظایف دینی کاری کرده بود که طوفانی از وقایع و حوادث تلخ بر در و دیوار شام می‌بارید. او در ادامه تأکید کرد «...کسی نیرومندتر از معاویه برای جنگ با علی نیست، اکنون به خونخواهی خلیفه مظلوم قیام کنید» (همان، ۱۹۸). مردم عوام به شدت تحت تأثیر سخنان وی قرار گرفتند و تنها گروهی از پارسایان شهر حمص که به راه و عملکرد معاویه باور نداشتند پاسخ منفی دادند (ابن مزاحم منقری، ۷۸). شرحبیل در راستای مأموریت محوله به برانگیختن مردم دیگر شهرهای شام پرداخت و همه را یکی

پس از دیگری گرد هم آورد. او به سبب سابقه و پیشینه نیکوی خانوادگی «بر هر قومی درمی آمد سخن و نظرش را می پذیرفتند» (همان، ۷۸) و با آنان برای جنگ با علی علیه السلام بیعت می گرفت (دینوری، ۱۹۸).

در آشفته بازار چنین بیعتی، افراد معدودی مانند أسود بن عرفجه نه تنها از بیعت خودداری ورزید بلکه علی بن ابی طالب علیه السلام را «برادر رسول خدا، وصی او و وارث علم او دانست» (ابن اعثم کوفی، ۴۷۷). نجاشی بن حارث، نیز شرحبیل را برای همراهی با معاویه و خونخواهی قتل خلیفه سوم نکوهش کرد و عزم او را نه به سبب حفظ دین بلکه به علت کینه ای که از قدیم الایام نسبت به جریر بن عبدالله بجلي در جریان پیکار قادسیه داشت مرتبط دانست (ابن حجر عسقلانی، ۲۶۷/۳؛ ابن اثیر، کامل، ۴۲/۱۰). بر همین اساس شرحبیل را به علت قضاوت ناصواب در خصوص قتل عثمان توسط امام علی علیه السلام با توجه به عدم حضورش در صحنه حادثه سرزنش و او را از جنگ و مقابله با امام پرهیز داد (ابن مزاحم منقری، ۸۰). او با قراین و شواهد فوق، موارد القایی به شرحبیل را به چالش کشاند. از طرفی دشمنی با جریر نیز به قول ابن غنم راه حل داشت، ماجرای قتل عثمان هم توسط بزرگانی مانند عیاض ثمالی و نجاشی بن حارث و ابن غنم به صراحت انکار شده است اما چرا شرحبیل همچنان در دفاع از منافع معاویه پایدار ماند؟ در حقیقت و نه در واقعیت، مسئله ای ناگفته در این میان وجود دارد که از راه روایات و این آثار و نقل قول ها نمی توان به آن دست یافت. احتمالاً امری دنیوی و نفسانی به میدان آمده (همان، ۷۴) که در اینجا میدان داری کرده و مؤثر افتاده است. البته در گفتگوی جریر با شرحبیل به این موضوع اشاره شده است.

شرحبیل در مقابل جریر بن عبدالله بجلي

شرحبیل پس از آنکه مأموریت خود را برای گرد هم آوردن قبایل شام به پایان رساند، به منزل حصین بن نمیر رفت. حصین بن نمیر نیز زمینه ملاقات شرحبیل با جریر بن عبدالله بجلي را فراهم کرد. در این دیدار، شرحبیل با لحنی عناد آلود به جریر گفت «تو پیشنهاد بی ارزشی به ما داده ای تا ما را به ورطه نابودی بکشانی و شام را با عراق درگیر

کنی» (ابن مزاحم منقري، ۷۴). سپس همان اتهام‌های سابق را مبنی بر قتل عثمان توسط علی عليه السلام تکرار کرد (ابن اعثم کوفی، ۴۷۳) و جریر را به سبب ستایش امام سرزنش کرد و برای انجام تکلیف شرعی قسم خدا بر زبان جاری ساخت که در قیامت جریر را در محکمه الهی بازخواست نماید (ابن مزاحم منقري، ۷۴). جریر در مقابل مواضع ناروای شرحییل چنین عکس‌العمل نشان داد: «امری که مهاجران و انصار جملگی بر آن اتفاق کرده و طلحه و زبیر را به خاطر طغیان و سرکشی علیه علی بن ابی طالب کشته‌اند چگونه مزخرف تواند بود؟» (همان، ۷۴). شرحییل بدون توجه به سفارش بزرگان مبنی بر عدم دخالت علی بن ابی طالب عليه السلام در قتل عثمان مکرراً می‌گفت «علی، عثمان را کشته است» (دینوری، ۱۹۸). جریر ضمن نقد و ناروا دانستن قتل عثمان توسط امام به عدم یقین شرحییل نسبت به این موضوع تأکید کرد (ابن مزاحم منقري، ۷۵) و اطلاعات، اخبار و قضاوت‌های شرحییل را متأثر از دنیاگرایان و سخنان بیهوده و باطل عمرو بن عاص دانست (ابن اعثم کوفی، ۴۷۳). جریر تمام تلاش خود را به برای نجات شرحییل انجام داد و ضمن بررسی راه‌های گوناگون احتمال داد دلیل مخالفت شرحییل همان کینه شخصی مربوط به جنگ قادسیه در گذشته باشد. البته بزرگانی هم مانند ابن غنم (ابن مزاحم منقري، ۷۰) و نجاشی شاعر (ابن اثیر، کامل، ۴۲/۱۰) اختلاف میان شرحییل و جریر را قبلاً به شرحییل گوشزد کرده بودند. جریر با زیرکی و با اشاره به این اختلاف، این راه را بر وی بست و خطاب به وی گفت: «تو به دنیا گراییده‌ای و چیزی از روزگار سعد بن ابی وقاص در دلت در خلجان است» (ابن مزاحم منقري، ۷۴).

سابقه این کدورت میان این دو به دوره خلیفه دوم برمی‌گردد زمانی که خلیفه دوم شرحییل را به عراق نزد سعد بن ابی وقاص فرستاد تا همراه او در نبرد قادسیه شرکت کند (ابن اثیر، کامل، ۴۱/۱۰). سعد او را گرامی داشت و شرحییل یکی از نزدیکان و فرستادگان ایشان به دربار ساسانیان شد (مقدسی، ۸۵۰/۲). ارتقای موقعیت شرحییل پیش سعد، بر اشعث بن قیس گران آمد و رشک و حسد او را برانگیخت، زیرا هر دو از قبیله یمانی کنده و رقیب یکدیگر بودند (ابن اثیر، کامل، ۴۱/۱۰). اشعث به سبب رقابت قبیلگی و با توجه به ارتباط جریر با خلیفه، پیشنهاد داد تا او در نزد خلیفه مقام و

منزلت شرحبیل را پایین بیاورد. خلیفه دوم اوضاع و احوال سپاه را از جریر پرسید و او ضمن ستایش سعد، از شرحبیل بن سمط بدگویی کرد (همان، ۴۱/۱۰). گزارش جریر سبب شد خلیفه، شرحبیل را از عراق فراخوانده و وی را به سوی شام روانه کند (ابن حجر عسقلانی، ۲۱۷/۳؛ ابن اثیر، کامل، ۴۱/۱۰؛ ابن خلدون، ۶۲۰). شرحبیل در شام به اعتبار پدرش جایگاه رفیعی به دست آورد (ذهبی، ۶۲۱/۳). این امر سبب کینه شدید شرحبیل نسبت به جریر بن عبد الله بجلي شده بود (ابن خلدون، ۶۲۰).

جریر با وجود تهدید معاویه، تلاش کرد تا شرحبیل را از همراهی با معاویه بازدارد و در نامه‌ای به صورت شعر، نیت شوم حاکم شام را برایش آشکار ساخت (ابن مزاحم منقری، ۷۵). جریر در آن نامه شرحبیل را از پیروی از هوای نفس و تصمیم‌گیری عجولانه بر حذر داشت و علی علیه السلام را از اتهام قتل عثمان تبرئه کرد و به شرحبیل گوشزد کرد که حق راه خودش را طی می‌کند و مخالفت و دشمنی شرحبیل بی‌تأثیر است. او سپس علی علیه السلام را گذشته از خویشاوندی نزدیک با پیامبر، وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نامید. در نهایت اشعار حماسی و خیرخواهانه جریر بر آهن سرد شرحبیل کارگر افتاد و او «به هراس افتاد» و دچار شک و تردید شد. معاویه همیشه در صدد بود تا نگذارد او تحت تأثیر حقایق قرار گیرد او را تحت نظارت قرار داد و اشخاص مورد اعتمادش را در کنارش گماشت و با گواهی باطل و تکرار همان سناریوی سابق، نظر او را برگرداند و عزمش را برای مقابله با امام علی علیه السلام جزم کرد (همان، ۷۷-۷۶). تلاش معاویه و همراهانش به ثمر نشست و شرحبیل دوباره در جاده گمراهی قرار گرفت. بعد از چرخش دوباره شرحبیل برخی از بستگان او، ضمن ستایش علی علیه السلام در صدد برآمدند تا او را از تصمیمش منصرف کنند. شرحبیل نه تنها تحت تأثیر نصایح قرار نگرفت؛ بلکه احساس کرد که در آخر عمری در طریق هدایت الهی قرار گرفته است (همان، ۷۷). در نهایت جریر بن عبد الله بجلي با عدم موفقیت در انجام مأموریت به کوفه برگشت و شرحبیل در معیت معاویه برای جنگ با علی بن ابی طالب علیه السلام رهسپار صفین شدند.

نتیجه

معاویه برای بقای حکمرانی خود بر شام به انحراف افکار عمومی مردم شام همت گماشت. او سعی کرد تا با توجه به طایفی بودن جامعه شام، با فریب و تطمیع بزرگان قبیله و سرکردگان ایشان، آنها را با اهداف خود همراه کند. معاویه با مشاوره عمرو بن عاص برنامه دقیقی برای این کار پیاده کرد. مستمسک قرار دادن خونخواهی از قاتلان خلیفه سوم و انداختن قتل وی به گردن امام علی علیه السلام، شعاری شد که بزرگان و توده‌های ناآگاه شام به زودی با آن همراه شدند. در این میان شرحبیل بن سمط کندی به دلیل سابقه و جایگاه اجتماعی خود در قبیله کنده، همچنین به سبب نفوذ کلام و حسن سیرتی که در میان مردم شام داشت، شخصیتی تأثیرگذار به شمار می‌رفت. معاویه با مشورت عمرو بن عاص، با بهره‌گیری از صحنه‌سازی در خصوص قتل عثمان و القای این موضوع که امام در این واقعه دست داشته است، شرحبیل را به سوی خود جلب کرد. معاویه پس از آن از اعتبار و نفوذ شرحبیل برای آماده کردن مردم شام برای مقابله با امام علی علیه السلام بهره برد. شرحبیل به دلیل سادگی و عدم توجه به فریب معاویه و عمرو بن عاص تحت تأثیر تبلیغات دروغین گواهان مبنی بر قتل عثمان توسط امام قرار گرفت. البته ناخرسندی از جریر به سبب اختلافات و کدورت‌های قدیم و حسادت به موفقیت‌های احتمالی او در این مأموریت، در تصمیم‌گیری شرحبیل برای همراهی با معاویه مؤثر افتاد. در نهایت، شرحبیل با پذیرش ادعاهای دروغین معاویه و همراهی با او به ابزاری در دست معاویه برای مقابله با امام علی علیه السلام تبدیل شد.

منابع

- ابن اثیر، عزالدین، أسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹/۱۹۹۸.
- _____، کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، علمی، ۱۳۷۱ ش.
- ابن اعثم کوفی، محمد، الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تحقیق غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
- ابن حبان، محمد، الثقات، حیدرآباد، دائره المعارف العثمانیه، ۱۳۹۳/۱۹۷۳.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵/۱۹۹۵.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، العبر و دیوان المبتداء والخبر، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
- ابن سعد، محمد بن سعد کاتب واقدی، طبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴ ش.
- ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، تاریخ دمشق، تحقیق عمرو بن غرامه العمروی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵.
- ابن مزاحم منقری، نصر، پیکار صفین، ترجمه پرویز اتابکی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰ ش.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، التاريخ الكبير، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۱/۱۹۹۱.
- _____، التاريخ اوسط، حلب، دارالتراث، ۱۹۷۷.
- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق محمد باقر المحمودی، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۴/۱۹۷۴.
- _____، فتوح البلدان، ترجمه، محمد توکل، تهران، نقره، ۱۳۳۷ ش.
- بیهقی، ابوبکر، السنن الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴.
- ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، الغارات و شرح حال اعلام آن، ترجمه عزیز الله عطاردی، انتشارات عطارد، ۱۳۷۳ ش.
- دهقانی، مهدی، «شرحبیل بن سمط کندی»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل،

- تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۹۸ش.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نی، ۱۳۷۱ش.
 - ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۳/۱۹۹۳.
 - زرکلی، خیر الدین، الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۳۹۶/۱۹۸۹.
 - زکی صفوت، أحمد، جمهره رسائل العرب، بیروت، المكتبة العلمیه، ۱۹۳۷.
 - طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل والملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۲۶.
 - مسعودی، أبوالحسن علی بن الحسن، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ش.
 - مقدسی، مطهر بن طاهر، آفرینش و تاریخ، ترجمه محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران، آگه، ۱۳۷۴ش.